

شناخت فرهنگ فقر در روستایان شهرستان هرسین

محمدرضا همزه‌ای*، ایوب شاه‌حسینی**، غلامرضا برزو***، سارا موسوی مطلوب****

مقدمه: فقر به عنوان یکی از اولین آسیب‌های اجتماعی، قدمتی برابر با تاریخ بشر دارد. می‌توان گفت که بسیاری از مشکلات اجتماعی پیامد فقر است. فقر به دلیل قدمتی که دارد، در فرهنگ جوامع مختلف نفوذ کرده و فرهنگ فقر را برای فقرا ایجاد کرده است. بخش گسترده‌ای از برنامه‌های توسعه روستایی، مرتبط با فقرزدایی است؛ از این‌رو بدون شناخت این فرهنگ، موفقیت در فقرزدایی امکان‌پذیر نیست؛ از این‌رو برآنیم تا فرهنگ فقر را در بین روستایان شناسایی کنیم.

روش: به این منظور، جامعه روستایان شهرستان هرسین را برای مطالعه انتخاب کردیم. برای انجام این پژوهش، از روش تحقیق کیفی و نظریه زمینه‌دار استفاده و نمونه‌های مطالعه را با روش گلوله برفی شناسایی کرده‌ایم. داده‌های این تحقیق را با روش مصاحبه عمیق و مشاهده مستقیم جمع‌آوری کردیم که تا زمان رسیدن به اشباع تئوریک ادامه پیدا کرد. داده‌های جمع‌آوری شده را براساس شیوه‌های کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی که خاص نظریه زمینه‌دار است، تجزیه و تحلیل کردیم.

یافته‌ها: این تحقیق نشان می‌دهد که بین روستایان فقیر، از نظر شیوه زندگی و چگونگی رفتار با مسائل پیرامون، اختلاف وجود دارد. این موضوع، گویای وجود فرهنگی به نام فرهنگ فقر است. **نتایج:** نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مشخصه‌های فرهنگ فقر، در بین روستایان شهرستان هرسین، به صورت زیر است: بی‌توجهی به خود و خانواده، بدبینی و ناامیدی، تقدیرگرایی، مورثی بودن فقر، انزوای شدید اجتماعی، انزوای فضایی و مکانی، وضعیت اقتصادی بسیار بد و نداشتن مشارکت اجتماعی.

کلید واژه: نظریه زمینه‌دار، فقر، روستایان، فرهنگ فقر، هرسین

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۳

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه رازی کرمانشاه.

** کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه <Ayobshah1978@gmail.com> (نویسنده مسئول)

*** کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

**** دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

مقدمه

فقر^۱ به معنای محرومیت از نیازهای اولیه زندگی یا نبود این نیازهاست (کمالی، ۱۳۸۳) و از انواع کهن آسیب‌های اجتماعی در همه جوامع بشری به‌شمار می‌رود. یکی از آموزه‌های مهم در همه ادیان، حمایت از فقر است که نشان دهنده قدمت فقر و مشکل‌ساز بودن آن برای جوامع بشری در طول تاریخ است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴). در مسیر رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی در هر جامعه، توجه به عدالت اجتماعی، اصلی انکارناپذیر است. عدالت اجتماعی همچنین شرط لازم برای رسیدن به توسعه پایدار در زمینه فقرزدایی است؛ چراکه آسیب‌پذیری فرد در جامعه با پیامدهای اجتماعی و اقتصادی منفی همراه است که بر کل جامعه تأثیرگذار خواهد بود (صابری‌فر و قیصری، ۱۳۸۸). از دیدگاه فلسفی، فقر و محرومیت زمانی رخ می‌دهد که زمان احساس نیاز، مقدم بر زمان برآوردن نیاز باشد (کمالی، ۱۳۸۳)؛ اما پدیده فقر، نه فقط به معنای فقر درآمدی، بلکه از نظر توسعه انسانی، به معنای محروم شدن از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و نیز نبود فرصت برای زندگی شرافتمندانه است (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴). فقر مفهومی نسبی است و فقط با مقایسه وضعیت طبقه‌ای از مردم با وضعیت طبقه‌ای دیگر تعریف می‌شود (ازکیا، ۱۳۸۱). به‌طور سنتی، اکثر صاحب‌نظران فقر را تنها، ناکافی بودن درآمد معنا می‌کنند (راغفر، ۱۳۸۴). تعریف میدانی این پژوهش از فقرا، ناتوانی آنان در برآوردن نیازهای اولیه زندگی و مشارکت نکردن در فعالیت‌های اجتماعی است.

یکی از اولین مشکلاتی که در روستاها به چشم می‌خورد، فقر و نابرابری بین مناطق شهری و روستایی و حتی بین خود روستاییان است (جمعه‌پور، ۱۳۸۴)؛ در نتیجه فقر چون ریشه در تاریخ دارد، در فرهنگ جوامع بشری نفوذ کرده است. از این‌رو باید با دیدی فرهنگی به مسئله فقر، آن را به صورت ریشه‌ای حل کرد. بررسی مسئله فقر اهمیت بسیار دارد؛ زیرا فقر بسیار مشهود در میان افراد جامعه و ثبات آن، باعث به وجود آمدن نوعی

1- poverty

فرهنگ فقر^۱ می‌شود که خارج شدن از آن، بسیار سخت‌تر از خروج از فقر است (رضوی، ۱۳۷۷). اولین بار، اسکار لوئیس^۲، مردم‌شناس آمریکایی، بحث فرهنگ فقر را مطرح و این اصطلاح را به واژگان علوم اجتماعی افزود.

رضوی بیان می‌کند: «اسکار لوئیس فرهنگ فقر را صفت‌های درهم‌تنیده اجتماعی و اقتصادی و روان‌شناختی می‌داند که این ویژگی‌ها باعث بیکاری‌های طولانی، تزلزل در روابط خانوادگی، درماندگی و احساس وابستگی به دیگران و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی و درنهایت، از دست دادن اعتماد به نفس و بیگانگی از جامعه می‌شود» (رضوی، ۱۳۷۷). عقب افتادگی مردمان ابتدایی، از انزوا و فناوری‌های توسعه نیافته ناشی می‌شود و جامعه آنان به طبقه‌های مشخص تقسیم نشده است. فرهنگ فقر، مردمان ابتدایی را دربر نمی‌گیرد؛ چراکه چنین مردمی، فرهنگی تقریباً یگانه و رضایت‌بخش و خودکفا دارند. فرهنگ فقر تنها به مردمی اطلاق می‌شود که در سلسله‌مراتب پایین اجتماعی اقتصادی قرار دارند: کارگران فقیر، کشاورزان فقیر، کارگران مزرعه‌های بزرگ و آن توده ناهمگن پیشه‌وران و فروشندگان کوچک که بیش‌تر آنان را لمپن پرولتاریا می‌دانند (لوئیس، ۱۳۸۷). فرهنگ فقر وضعیتی است که در آن، مردم در دام محیط اجتماعی خود گرفتار آمده‌اند و دارای ویژگی‌هایی از جمله بی‌تفاوتی، تسلیم شدن به سرنوشت، نداشتن آرمان والا و نگرانی و هم‌زمان با آن، استقبال از رفتار مجرمانه و تأیید آن هستند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵). بسیاری از ویژگی‌های خرده‌فرهنگ فقر را می‌توان کوشش برای حل منطقه‌ای مشکلاتی دانست که نهادها و مؤسسه‌های موجود از عهده آن‌ها برنیامده است (لوئیس، ۱۳۸۷).

محدوده در حال بررسی، مناطق روستایی شهرستان هرسین است. در دهه چهل، در سراسر کشور ایران، تغییرات ساختاری در روستاهای صورت گرفت که همان، ازبین‌رفتن نظام ارباب رعیتی با اجرای اصلاحات ارضی بود. این تغییر باعث ایجاد طبقه‌های اجتماعی در روستاها شد. در صورتی که تا پیش از اجرای اصلاحات ارضی، همه روستاییان از جمله

1- culture of poverty

2- Lewis

خوش‌نشینان و کشاورزان تا حد زیادی در یک سطح بودند؛ ولی با اجرای مراحل مختلف اصلاحات ارضی و با وقوع انقلاب اسلامی، واگذاری زمین توسط هیئت‌های هفت نفره، باعث شد که تعدادی از روستاییان از مزایای این طرح‌ها بهره‌مند شوند و قشری کمابیش مرفه را در روستا تشکیل دهند: روستاییان خوش‌نشین و کشاورزانی که به شیوه‌های مختلف، حق ریشه خود را فروختند و با محرومیت از داشتن زمین، به قشر فقیر روستایی تبدیل شدند.

یکی از هدف‌های اساسی توسعه، محو فقر در هر جامعه، به ویژه در جوامع روستایی است. پیش از هر اقدام، برای از بین بردن فقر، باید مردم و فرهنگ‌ها را شناسایی کرد؛ لذا بر آن شدیم که به شناختی دقیق از وضعیت فرهنگ فقر و مؤلفه‌ها و مشخصه‌های آن در بین روستاییان منطقه هرسین دست پیدا کنیم. هرسین یکی از شهرستان‌های استان کرمانشاه با وسعت ۸۱۶ کیلومتر مربع است. مرکز شهرستان، ۴۵ کیلومتر با شهر کرمانشاه فاصله دارد (رحیمی، ۱۳۷۹). این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و بیستون است (قبادی، ۱۳۸۹). بخش مرکزی دارای دو دهستان چشمه‌کبود و دهستان حومه و بخش بیستون دارای دو دهستان چمچمال و شیرز است. کل روستاهای دارای سکنه این شهرستان، ۱۲۸ و جمعیت آن، ۳۹۱۴۹ نفر است (مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان هرسین).

پیشینه تحقیق

در ادامه، به تعدادی از مطالعات محققان و صاحب‌نظران در زمینه فقر و در عرصه ایران و جهان، اشاره می‌کنیم. احمدی و ایمان، در تحقیق خود، مؤلفه‌های زیر را از جمله مؤلفه‌های فرهنگ فقر می‌دانند: تمایل نداشتن برای پس‌انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت خانواده (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴).

غفاری و حق پرست بیان می‌کنند که از بین متغیرهای مستقلی که در پژوهش خود، به مثابه نشانگرهای فقر در نظر گرفته‌اند، متغیرهای زیر ارتباط معناداری با متغیر وابسته (فقر)

داشته است: وسیله نقلیه، مسکن، اشتغال، سطح زیر کشت، وابستگی به دولت، تقدیرگرایی، دسترسی به رسانه‌ها، همدلی و سطح آرزوها (غفاری و حق پرست، ۱۳۸۳).
فیروزآبادی و صادقی در پژوهش خود، مطرح می‌سازند که طرد و محرومیت انباشتی زنان به دلیل موقعیت کنونی آنان نیست، بلکه بیش‌تر با گذشته زنان، ویژگی‌های فردی، ساختار خویشاوندی، فقر مزمن و بین نسلی و با برخی وقایع خاص ارتباط دارد. علاوه بر آن، عوامل اجتماعی، فرهنگی و غیردرآمدی متعدد، در به‌حاشیه‌راندن زنان از جریان اصلی اجتماع نقش دارد. این وضعیت، خود، ممکن است فرصت خروج از فقر و محرومیت را برای آن‌ها دشوار کند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹).

شادی‌طلب و حجتی کرمانی ابراز می‌کنند که درجه مشارکت روستاییان از حد سهیم شدن در اطلاعات فراتر نرفته است و روستاییان از مشارکت در تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر محروم بوده‌اند؛ در نتیجه مشارکت‌هایی از نوع ابزاری، تغییر چندانی در وضع فقر روستا به وجود نیاورده است. همچنین به نظر می‌رسد ریشه‌دوانیدن خشونت در فرهنگ جامعه و خسارت‌های انسانی و مادی ناشی از آن، زمینه کافی برای بروز فقر و تداوم آن فراهم می‌کند (شادی‌طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷).

محمودی و صمیمی فر، فقر را موضوعی قابلیت می‌دانند، نه درآمدی؛ در نتیجه فقر را مشابه محرومیت از قابلیت یعنی توانایی خروج از فقر تعریف می‌کنند (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴). ربانی و همکاران بیان می‌کنند که بین سطح حاشیه‌نشینی و افزایش محرومیت نسبی برای حاشیه‌نشینان، رابطه وجود دارد. این موضوع باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه حاشیه‌نشین شده است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵). ربانی خوراسگانی و همکاران، مشکلات زیر را ناشی از اوضاع فیزیکی کالبدی مناطق حاشیه‌ای می‌دانند: تراکم زیاد جمعیت، نبود تسهیلات مناسب برای زندگی، کمبود خدمات اولیه و زیربنایی، محیط‌زیست آلوده و غیربهداشتی، درصد زیاد بی‌سوادی، بیکاری، جنایت و ناهنجاری‌های روانی (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۳).

بقه و همکاران او نتیجه می‌گیرند که از عوامل عمده وجود فقر در میان روستاییان، عوامل اقتصادی کشاورزی، عوامل شغلی، روابط اجتماعی و سطح مشارکت اجتماعی است (بقه و همکاران، ۱۳۸۰). غروی نخجوانی بیان می‌کند که وضع اقتصادی خانوارهای ایرانی، طی دو دهه گذشته، نگران کننده بوده است و خانوارها تحت فشار اقتصادی زیادی بوده‌اند (غروی نخجوانی، ۱۳۸۴).

رضوانی نارسایی‌های مهم در نظام برنامه‌ریزی کشور را این‌گونه برمی‌شمارد: نبود برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در سطح محلی، نبود رابطه منطقی بین سطوح ملی، منطقه‌ای، محلی و نیز برنامه‌ریزی و حاکمیت تصمیم‌گیری بالا به پایین، حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی در ساختار نظام برنامه‌ریزی روستایی، نبود مشارکت مردم و سازمان‌های غیر دولتی در برنامه‌ریزی روستایی و همچنین نبود مدیریت یکپارچه در برنامه‌ریزی و توسعه مناطق روستایی (رضوانی، ۱۳۸۰).

لویس در کتاب فرزندان سانچز مدلی مفهومی و منطقه‌ای برای فرهنگ فقر ارائه می‌کند. او می‌گوید، در مکزیک، فرهنگ فقر حداقل شامل بخش سوم و پایین جمعیت روستایی و شهری است. ویژگی این جمعیت، مرگ و میر زیاد، کوتاه بودن طول عمر، زیاد بودن درصد جوانان این بخش از جامعه و نسبت زیاد کسانی است که برای خود کار می‌کنند. مؤلفه آخر، به دلیل کار کردن کودکان و زنان کارگر است. فرهنگ فقر، در مکزیک، فرهنگی محلی و منطقه‌ای است. تعداد کمی از اعضای آن، به نهادهای ملی پیوسته‌اند و حتی با وجود اینکه در مرکز شهری بزرگ زندگی می‌کنند، باز در حاشیه آن قرار دارند. برای نمونه، در مکزیکوسیتی، سطح فرهنگ فقر بیش تر تهی‌دستان بسیار پایین است. آنان به اتحادیه‌های کار نیوسته‌اند و عضو احزاب سیاسی نیستند. در فعالیت‌های بهداشتی، فعالیت‌های مرتبط با مادران و مؤسسه‌های رفاه ملی مرتبط با اعانه‌های سال‌خوردگی به نام «سگوروی اجتماعی»^۱ شرکت نمی‌کنند. آنان از بانک‌های شهر،

1- seguro social

بیمارستان‌ها، فروشگاه‌ها، تالارهای هنری و فرودگاه‌ها کم‌تر استفاده می‌کنند. ویژگی‌های شاخص اقتصادی در زمینه فرهنگ فقر عبارت است از: مبارزه دائم برای زنده ماندن، بیکاری و کم‌کاری، مزدهای پایین، شغل‌های بی‌مهارت و متنوع، کار کردن کودکان، نبود پس‌انداز، کمبود مزمن پول، کمبود ذخیره مواد غذایی در خانه، خرید مواد غذایی به دفعات بسیار در روز و برحسب نیاز، گرو گذاشتن لوازم شخصی، قرض‌گرفتن از نزول خواران محلی با بهره بسیار سنگین، شیوه‌های اعتبار غیررسمی و ناگهانی «تاندا»^۱ که خود همسایگان تشکیل می‌دهند و استفاده از لباس و لوازم خانگی دست دوم. برخی ویژگی‌های اجتماعی و روانی فرهنگ فقر عبارت است از: زندگی در محله‌های پرجمعیت، نداشتن اوقات فراغت، گروه‌گرایی، مشروب‌خواری، توسل مکرر به خشونت در فرونشاندن دعوها، استفاده مکرر از خشونت در تربیت کودکان، کتک زدن زنان، آشنایی زودرس با مسائل جنسی، ازدواج‌های آزاد، رها کردن کودکان از سوی مادرها، گرایش به خانواده‌هایی که با محورگرایی مادر و آگاهی زیاد از خویشاوندان مادری، سلطه خانواده هسته‌ای، تمایل قوی به اقتدارگرایی و تأکید بسیار بر استحکام خانواده آرمانی که به‌ندرت به آن دست پیدا می‌کنند و نیز تمایل زیاد به زندگی لحظه‌ای، تقدیرگرایی، اعتقاد به برتری مرد و احساس قربانی شدن از سوی زنان و درنهایت، انواع ناراحتی‌های روحی و روانی (لوئیس، ۱۳۸۷). لوئیس، هفتاد ویژگی برای توصیف فرهنگ فقر در چهار بُعد از سیستم مشخص می‌کند که این چهار بُعد شامل رابطه بین خرده‌فرهنگ و جامعه بزرگ‌تر، ماهیت اجتماع زاغه‌نشین، ماهیت خانواده و گرایش‌ها، ارزش‌ها و ساختار شخصیتی افراد است (لوئیس، ۱۹۶۶).

ایرلن^۲ و همکاران (۱۹۶۹) می‌گویند، فقرای اسپانیایی زبان امریکا بیش‌تر به اظهار ارزش‌های رایج در فرهنگ فقر تمایل دارند و محرومیت اقتصادی زیاد، فراوانی جمعیت این ارزش‌ها را در مقایسه با جمعیت‌نگر و امریکایی کم‌تر تحت تأثیر قرار می‌دهد (ایرلن

1- Tanda

2- Irelan

و همکاران، ۱۹۶۹). کووارد^۱ و همکاران بیان می‌کنند که ویژگی‌های فرهنگ فقر در کم‌تر از نصف نمونه‌ها یافت نمی‌شود. آنان نتیجه گرفتند که وضعیت مکانی فقر بر اکثر ویژگی‌هایی که از بحث لوئیس حمایت می‌کند، تأثیر گذاشته است، نه بخشی از یک فرهنگ جدی (کووارد، ۱۹۷۴).

به گفته جونز^۲ و لو^۳ شواهد اندکی وجود دارد، مبنی بر اینکه افراد فقیر از سیستم‌های ارزشی متفاوتی پیروی می‌کنند. آنان همچنین شواهدی آشکار برای فرهنگ فقر، آن‌گونه که در گرایش‌ها وجود دارد، نیافته‌اند (جونز و لو، ۱۹۹۹). هاروی^۴ و رد^۵ کار لوئیس را بزرگداشت و برگشت‌پذیری افراد فقیر و چاره‌جویی برای آنان می‌دانند، نه بدنامی طبقه پایین جامعه و حامی فرهنگی که در مقابل بلا تکلیفی همیشگی فقر برپا شده است (هاروی و رد، ۱۹۹۶).

با توجه به مطالعات فوق، مشخصه‌های کلی فرهنگ فقر به این شرح است: تمایل نداشتن برای پس‌انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا، کمبود حمایت خانواده، تمایل نداشتن به آینده‌نگری، تقدیرگرایی، حاشیه‌نشینی، اعتقاد به برتری مرد، مبارزه دائم برای زنده ماندن، بیکاری و کم‌کاری، مزدهای پایین، شغل‌های بی‌مهارت و متنوع، کار کردن کودکان، بی‌پولی، فقر غذایی، گرو گذاشتن لوازم شخصی، گرفتن ربا با نرخ بهره بسیار سنگین. نیز ویژگی محله‌هایی که دارای فرهنگ فقر هستند، عبارت است از: تراکم بالای جمعیت در خانه و محله‌های فقیرنشین، نبود تسهیلات مناسب برای زندگی، کمبود خدمات اولیه و زیربنایی، بی‌توجهی به بهداشت و محیط زیست، درصد بالای بی‌سوادی و جنایت و ناهنجاری‌های روانی.

روش بررسی

این تحقیق، از نظر دیدمان (پارادایم)، در دسته تحقیقات کیفی قرار دارد. هدف آن، کاربردی است و از نوع مطالعات موضوعی به شمار می‌رود. در این تحقیق، از روش نظریه

1- Coward

2- Jones

3- Luo

4- Harvey

5- Reed

زمینه‌دار^۱ استفاده کرده و روستاییان فقیر و ثروتمند شهرستان هرسین را مطالعه کردیم. روش شناسایی نمونه‌ها روش گلوله برفی^۲ بود. تعریف این تحقیق از فقر، همان ناتوانی در برآوردن نیازهای اولیه زندگی و مشارکت نکردن در فعالیت‌های اجتماعی جامعه است. به این ترتیب، فقرا و ثروتمندان روستایی را با استفاده از روش گلوله برفی شناسایی کردیم. گفتنی است که تا زمان رسیدن به اشباع تئوریک، شناسایی نمونه‌ها ادامه پیدا کرد و تعداد کل افراد شناسایی شده به ۸۷ نفر رسید. اشباع تئوریک زمانی اتفاق می‌افتد که داده جدیدی برای گردآوری وجود نداشته باشد. در این پژوهش، از دو روش مصاحبه عمیق و مشاهده مستقیم برای گردآوری داده‌ها استفاده کردیم. روستاییان فقیر، خود، به دو دسته تقسیم شدند: ۱- روستاییانی که از وضعیت خود، رضایت نسبی داشتند و خود را فقیر می‌دانستند، به مثابه روستاییان دارای فرهنگ فقر شناخته شدند و ۲- روستاییانی که از وضعیت خود، ناراضی بودند و خود را فقیر نمی‌دانستند، فقرایی بودند که دارای خرده فرهنگ، فرهنگ فقر نبودند، شناسایی شدند. درباره روستاییان ثروتمند نیز با توجه به شناختی که از روستاییان منطقه هرسین داشتیم، به سراغ روستاییان ثروتمند رفتیم و آن‌ها فرد یا افراد دیگری را به ما معرفی کردند.

سؤال کلی تحقیق را مشخص کردیم؛ سپس با توجه به شناخت روستاییان و ارتباط نزدیک با آنان و نیز مطالعات گسترده در این زمینه، تحقیق را از روستای چشمه‌کبود که مرکز دهستان چشمه‌کبود از بخش مرکزی شهرستان هرسین است، شروع کردیم. در این تحقیق، برای رسیدن به مثلث‌سازی^۳ و ایجاد روایی^۴، از دو منبع روستاییان ثروتمند و فقیر برای جمع‌آوری داده استفاده کردیم. گردآورندگان در این پژوهش، مصاحبه‌های به عمل آمده و یادداشت‌های حاصل از مشاهدات میدانی را مرتب کردند؛ سپس در مرحله تجزیه و تحلیل، با استفاده از روش نظریه زمینه‌دار با مروری مجدد بر داده‌های جمع‌آوری شده و ادغام نمونه‌های مشابه و حذف نمونه‌های غیر مرتبط، مفهوم‌های به دست آمده از داده را

1- grounded theory

2- snow ball

3- triangulation

4- validity

کدگذاری باز^۱ کردند. در پایان این کدگذاری، مفاهیم زیر به دست آمد: ۳۹ مفهوم، از داده‌های جمع‌آوری شده از میان روستاییان ثروتمند، درباره فقرای روستایی و فقر آنان؛ ۴۵ مفهوم، از داده‌های جمع‌آوری شده از روستاییانی که دارای فرهنگ فقر نیستند، درباره فقرای روستایی و فقر آنان و نیز ثروتمندان؛ ۵۵ مفهوم، از داده‌های جمع‌آوری شده از روستاییان فقیر دارای فرهنگ فقر.

در این مرحله از تجزیه و تحلیل، برای ایجاد طبقه‌ای گسترده‌تر، از میان طبقه‌های مرتبط، از کدگذاری محوری^۲ استفاده کردیم. در کدگذاری محوری، کدهای مشابه از نظر ماهیت و معنا در یک طبقه قرار گرفتند و سپس، طبقه‌های مشابه با هم ادغام شدند و طبقه‌ای گسترده به وجود آوردند. برای کدگذاری انتخابی^۳، با مقایسه کدگذاری محوری هر سه گروه (ثروتمندان روستایی، فقرای دارای فرهنگ فقر و فقرایی که فرهنگ فقر ندارند) طبقه محوری نمایان شد که همان مشخصه‌های فرهنگ فقر در میان روستاییان فقیر شهرستان هرسین است. این طبقه، از این لحاظ که سایر طبقه‌ها را پیرامون خود جمع می‌کند و ارتباطی بین این طبقه‌ها به وجود می‌آورد و نیز مدل میدانی تحقیق را نمایان می‌کند، طبقه محوری نامیده می‌شود. در پایان، با بیان خط سیر داستانی هرچند که کل‌نگر است، ولی جزئیات را به تصویر می‌کشد. در بخش یافته‌ها، خط سیر داستانی را تشریح خواهیم کرد. برای دستیابی به روایی در این تحقیق، پس از رسیدن به مشخصه‌های فرهنگ فقر، این مدل را به افرادی ارائه کردیم که در روش گلوله برفی بیش‌ترین ارجاع به آن‌ها شده بود. آنان این مدل را تأیید کردند.

یافته‌ها

همه داده‌های گردآوری شده، از طریق مصاحبه عمیق و نیز یادداشت‌های حاصل از مشاهده مستقیم در میدان تحقیق، در بانکی اطلاعاتی، جمع‌آوری و سامان‌دهی شد. این داده‌ها را

1- open coding

2- axial coding

3- selective coding

طی فرایندی سه مرحله‌ای تجزیه و تحلیل کردیم. این فرایند شامل کدگذاری باز و کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است و از مراحل تجزیه و تحلیل در شیوه نظریه زمینه‌دار به‌شمار می‌رود. در اینجا، به علت کمبود مجال، از آوردن جداول مرتبط با کدگذاری باز صرف‌نظر می‌کنیم. در ادامه، جداول مرتبط با کدگذاری محوری خواهد آمد که نتیجه کدگذاری باز نیز هست. جدول (۱) نتیجه کدگذاری محوری مفهوم‌های به دست آمده از نظر روستاییان ثروتمند است. جدول (۲) نتیجه کدگذاری محوری مفهوم‌های به دست آمده از نظر روستاییان فقیر است که فقر در فرهنگ آن‌ها رخنه نکرده است. جدول ۳ نتیجه کدگذاری محوری مفهوم‌های به دست آمده از نظر روستاییان دارای فرهنگ فقر است.

جدول ۱. کدگذاری محوری مفهوم‌های به دست آمده از نظر روستاییان ثروتمند

طبقه گسترده	طبقه
قانون‌گریزی	اعتیاد به مواد مخدر فروش مواد مخدر رواج نزول و نزول‌خواری اقدام به دزدی ایجاد درگیری و نزاع برای گرفتن دیه بازپرداخت نکردن پول‌هایی که قرض می‌گیرند بازپرداخت نکردن وام‌ها از سوی فقرا لطمه‌زدن به دارایی ثروتمندان به صورت مخفی
وضعیت مالی بد	تأثیرپذیری زیاد از مشکلات اقتصادی جامعه ناتوانی در انجام کارها به دلیل نداشتن زمین و سرمایه نداشتن ارث و پشتوانه مالی به‌طور معمول نداشتن حرفه و شغل خاص دسترسی نداشتن به امکانات تأثیرپذیری زیاد از خشک‌سالی نداشتن شغل دوم اتکای صرف به شغل کشاورزی بیکاری زیاد

طبقه گسترده	طبقه
	توسل به گدایی ریسک ناپذیری موروثی بودن فقر
تخریب محیط زیست	استفاده ناصحیح از زمین زراعی لطمه زدن به منابع طبیعی و محیط زیست برای کسب درآمد رعایت نکردن بهداشت در روستا و خانه بی توجهی به مسائل بهداشتی
بی توجهی به خود و خانواده	تلاش نکردن برای خود و خانواده انجام ندادن کاری برای بهتر شدن وضع خود آینده نگر نبودن سطح توقع پایین بی فکری و بی خیالی ضعف مذهبی بی توجهی به تحصیل فرزندان
وابستگی به خدمات حمایتی دولت و اطرافیان	پیری و بیماری وابستگی به خدمات حمایتی دولت وابستگی به فامیل و اقوام
انزوای طلبی	کناره گیری از کارهای روستا گوشه گیری نبود مشارکت نداشتن رابطه خوب با سایر روستاییان ناتوانی در دفاع از حق خود

جدول ۲. کدگذاری محوری مفهومی‌های به دست آمده از نظر روستاییانی که فقر در فرهنگ آنان رخنه نکرده است.

طبقه گسترده	طبقه
مشارکت جو	مهم بودن سرنوشت دیگران علاقه‌مند به شرکت در کارهای روستا
خوش‌بینی	اعتقاد به مشروع بودن ثروت و ثروتمندان امید به بهتر شدن وضعیت در آینده داشتن انگیزه برای بهبود وضعیت خود داشتن برخی آرزوهای متوسط و بزرگ مقصر دانستن خود در فقیر شدن نارضایتی از وضعیت موجود
وضعیت اقتصادی بد	نداشتن پس‌انداز نداشتن زمین یا کم داشتن زمین نداشتن دام یا کم داشتن دام بیکاری زیاد در بین اعضای خانواده نداشتن امکان‌هایی برای انجام کار دریافت ربا و گاه، وام‌های دولتی ریسک‌ناپذیری قناعت برای کاهش فقر
وابستگی به خدمات حمایتی	وابستگی به دولت و خدمات حمایتی آن وابستگی به کمک مردم و اقوام
انزوای اجتماعی	رانده شدن از تصمیم‌گیری‌ها در روستا گاهی بی‌احترامی سایر افراد روستایی جداماندن از جامعه روستایی رابطه کم با سایر روستاییان تمایل به مهاجرت
موروثی نبودن فقر	فقر به دلیل تنبلی فقر به دلیل خوش‌گذرانی فقیر شدن به دلیل اوضاع و احوال (بیماری، پیری، اعتیاد و درگیری‌های قبیله‌ای) فقر به دلیل خشک‌سالی
تمایل به قانون‌گریزی	اعتیاد به مواد مخدر تخریب مرتع‌ها و جنگل‌ها

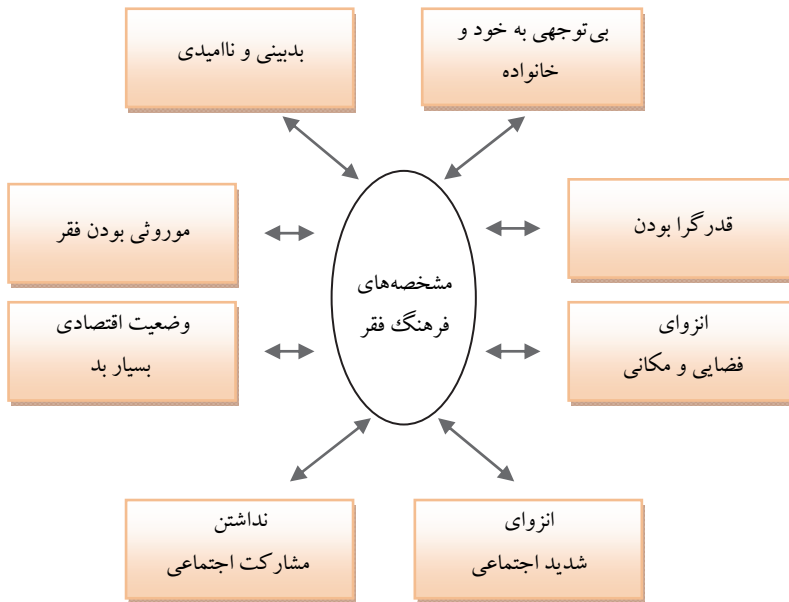
طبقه گسترده	طبقه
داشتن نزاع و درگیری	درگیری قومی درگیری‌های خانوادگی
توجه به خود و خانواده	احساس مسئولیت در برابر سایر اعضای خانواده و فرزندان توجه به ادامه تحصیل فرزندان
قدرگرا نبودن	ناراضی بودن از وضعیت خود اعتقاد به کافی بودن تلاش خود برای کاهش فقر

جدول ۳. کدگذاری محوری مفهوم‌های به دست آمده از نظر روستاییانی که داری فرهنگ فقر هستند

طبقه گسترده	طبقه
وضعیت اقتصادی بسیار بد	نداشتن امکان‌هایی برای انجام کار ناتوانی در دریافت وام یا ربا بیکاری زیاد در بین اعضای خانواده نداشتن پس‌انداز داشتن فرزند زیاد نداشتن دام نداشتن زمین یادداشتن حرفه یا شغل نداشتن فامیل ثروتمند قناعت برای کاهش فقر تأثیرپذیری زیاد از بلایای طبیعی مانند خشک‌سالی
انزوای شدید اجتماعی	رانده شدن از تصمیم‌گیری‌ها در روستا گاهی بی‌احترامی سایر افراد روستایی قرارگرفتن در حاشیه روستا برقراری نکردن ارتباط با افراد خارج از روستا رابطه کم با سایر روستاییان جداماندن از جامعه روستایی مهاجرت به سایر روستاها و شهرها
بدبینی و ناامیدی	بی‌اعتمادی به همه به خصوص ثروتمندان نامشروع دانستن ثروت و ثروتمندان ناامیدی و یأس نداشتن انگیزه برای بهبود وضعیت خود

	مقصردانستن دیگران در فقر خود ناکافی دانستن تلاش برای کاهش فقر خود نداشتن آرزوهای بزرگ
وابستگی به خدمات حمایتی	وابستگی به کمک مردم و اقوام وابستگی به دولت و خدمات حمایتی آن
موروثی بودن فقر	فقر بودن به دلیل بی فکری پدر و مادر نداشتن ارث فقر بودن به دلیل فقر پدر و مادر
قانون‌گریزی	اعتیاد به مواد مخدر تخریب مرتع‌ها و جنگل‌ها دزدی
نداشتن مشارکت اجتماعی	بی‌علاقگی به شرکت در کارهای روستا مهم نبودن سرنوشت دیگران
بی‌توجهی به خود و خانواده	توجه ناکافی به مسائل بهداشتی و زیست‌محیطی نداشتن احساس مسئولیت در برابر سایر اعضای خانواده و فرزندان بی‌توجهی به ادامه تحصیل فرزندان
قدرگرا بودن	تسلیم قضا و قدر بودن راضی بودن از وضعیت موجود
انزوای فضایی مکانی	قرار گرفتن بیش‌تر خانه‌ها در حاشیه روستا
داشتن نزاع و درگیری	درگیری قومی درگیری‌های خانوادگی

شکل ۱، مدل میدانی تحقیق را به تصویر می‌کشد که نتیجه کدگذاری انتخابی است. همان‌طور که گفتیم، برای روایی این مدل، نتیجه‌های به دست آمده را به روستاییانی دادیم که به روش گلوله برفی شناسایی شده بودند. این روستاییان افرادی کلیدی بودند و بیش‌ترین ارجاع به آنان بود. آنان با دیدن نتیجه، این مدل را تأیید کردند.



تصویر ۱- مدل میدانی تحقیق

بر مبنای این مدل، مؤلفه‌های فرهنگ فقر در بین روستاییان شهرستان هرسین شامل انزوای شدید اجتماعی، نداشتن مشارکت اجتماعی، انزوای فضایی و مکانی، وضعیت اقتصادی بسیار بد، قدرگرا بودن، موروثی بودن فقر، بدبینی و ناامیدی و بی توجهی به خود و خانواده است.

خط سیر داستانی

در اینجا، می‌خواهیم ویژگی‌های فرهنگ فقر را ذکر کنیم. پیش از آن، باید گفت که سه ویژگی بین روستاییان فقیری که فقر در فرهنگ آنان رخنه نکرده است و آنان که دارای فرهنگ فقر هستند، مشترک است. این سه ویژگی عبارت است از:

۱- وابستگی به خدمات حمایتی دولت و اقوام و سایر روستاییان: تمام فقرا به خدمات حمایتی وابسته‌اند؛ حال ممکن است منشاء این خدمات، منابع دولتی باشد یا اقوام و همسایگانی که تمکن مالی دارند. البته فقرا ترجیح می‌دهند که از منابع حمایتی دولتی برخوردار شوند؛ چراکه این‌گونه کمک‌ها کم‌تر از کمک‌های دریافتی از آشنایان و همسایگان، به وجه اجتماعی آنان لطمه وارد می‌کند.

۲- قانون‌گریزی که به صورت تخریب منابع طبیعی (جنگل‌ها و مرتع‌ها)، ایجاد درگیری در روستا و گاه، دزدی و... نمود پیدا می‌کند: در روستا، اولین اقدام فرد فقیر در مواجهه با فقر، استفاده از منابع طبیعی است تا بتواند نیازهای خود را تا حدودی برآورده سازد؛ از این‌رو اراضی جنگلی را به اراضی کشاورزی تبدیل می‌کند یا برای تأمین سوخت خود و حتی تهیه زغال، برای فروش در بازار، از چوب درختان جنگلی استفاده می‌کند. یکی دیگر از کارهایی که فقرا با انجام آن، سعی در کاهش فقر خود دارند، تجاوز به حریم مراتع و تبدیل آن به زمین زراعی است. این کار باعث فقر بیش‌تر آنان می‌شود؛ چراکه باید منابع مالی را برای افزایش توان تولیدی زمین مرتع و تبدیل آن به زمین زراعی صرف کنند. ولی درنهایت، بازده محصول، منابع صرف شده را پوشش نمی‌دهد. از سوی دیگر، با این کار، سطح درآمد سایر روستاییان به علت از بین رفتن مراتع، کاهش پیدا می‌کند و حتی برخی روستاییان دیگر نمی‌توانند علوفه لازم برای دام‌های خود را تأمین کنند. در نتیجه، کسانی که وضعیتی نزدیک به خط فقر دارند، نیز به گرداب فقر مبتلا می‌شوند.

۳- نزاع و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای و نیز درگیری‌های خانوادگی: این نزاع‌ها برای دسترسی بیش‌تر به منابع محدود مانند زمین و آب است. درنهایت، گروهی غالب و گروهی مغلوب می‌شود. این نوع درگیری‌ها معمولاً با قتل پایان می‌پذیرد و قاتل و اقوام او باید از روستا مهاجرت کنند؛ در نتیجه روستاها تخلیه می‌شود. البته خانوارهای روستایی، گاه، برای رهایی از چنگال فقر، مهاجرت می‌کنند؛ پس این سه مؤلفه جزء مؤلفه‌های فرهنگ فقر نیست. در ادامه، مؤلفه‌های فرهنگ فقر را تشریح می‌کنیم.

انزوای شدید اجتماعی

روستاییانی که فقر در فرهنگ آن‌ها رخنه کرده است، بسیار بیش‌تر از سایر روستاییان فقیری که این فرهنگ را ندارند، در روستا منزوی‌اند؛ به طوری که نمی‌خواهند یا نمی‌توانند با افرادی که از بیرون وارد روستا می‌شوند، ارتباط برقرار کنند. یکی از علل برقرار نکردن این ارتباط، سرخوردگی از ایجاد تغییر در وضع آنان توسط خارجی‌هاست؛ چراکه هرچه برنامه توسعه‌ای در روستاها اجرا کرده‌ایم، منافع آن، بیش‌تر به جیب روستاییان ثروتمند یا بسیار خوش‌بینانه بگوییم، به جیب روستاییان متوسط رفته است. از طرفی، فقرا جزء اهداف برنامه‌های توسعه‌ای نبوده‌اند؛ در نتیجه این قشر دل‌بستگی کم‌تری به روستای خود داشته و بیش‌تر مهاجرت کرده‌اند. حال آنکه، روستاییانی که فرهنگ فقر ندارند، کم‌تر منزوی‌اند و با افراد خارجی، رابطه‌ای بهتر برقرار می‌کنند.

وضعیت اقتصادی بسیار بد

وضعیت اقتصادی روستاییانی که دارای فرهنگ فقر هستند، بسیار بغرنج‌تر از روستاییان فقیری است که این خرده‌فرهنگ را ندارند. آنان علاوه بر داشتن بسیاری از ویژگی‌های گروه اخیر، ویژگی‌هایی دارند که در ادامه، به آن اشاره می‌کنیم. فرد فقیر روستایی دارای فرهنگ فقر، توانایی دریافت ربا ندارد؛ زیرا وقتی ضمانتی برای بازپرداخت این پول وجود ندارد، نزول‌خواران محلی حاضر به دادن پول به این قشر نیستند. از سوی دیگر، چون زمین و دامی نیز ندارند، نمی‌توانند از منابع دولتی وامی دریافت کنند. این گروه معمولاً قوم و خویش ثروتمندی ندارند و در نتیجه، از دریافت کمک‌های آنان محروم‌اند. این قشر از روستاییان، در فصل کار، بیش‌تر به صورت کارگران روزمزد و فصلی در روستا به کار مشغول‌اند؛ از این رو، طی سه سال گذشته که خشک‌سالی بروز کرده است و به دلیل کم شدن فعالیت‌های کشاورزی در روستا، تنها منبع درآمد خود در روستا را از دست داده‌اند و بسیار بیش‌تر از سایر روستاییان، زیان و خسارت دیده‌اند. در نتیجه، فقرایی که از فرهنگ فقر برخوردارند، از اوضاع اقلیمی تأثیرپذیری بیش‌تری دارند.

نداشتن مشارکت اجتماعی

به علت سرخوردگی ناشی از محرومیت در زمینه منافع برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای، قشر دارای فرهنگ فقر، از مشارکت در کارهای روستا شانه خالی می‌کند و رغبتی برای این نوع کارهای عام‌المنفعه ندارد. این قشر احساس تعلق بسیار کم‌تری به سرنوشت و محل زندگی خود دارد؛ به طوری که سرنوشت دیگران را نیز مهم نمی‌شمارد. حال آنکه، روستاییانی که هنوز در گرداب فرهنگ فقر گرفتار نشده‌اند، مشارکت جو هستند؛ به طوری که سرنوشت دیگران برای آنان مهم است و هنوز برای کارهای عام‌المنفعه پیش قدم می‌شوند. دست‌آخیر، هنوز سرخورده نشده‌اند و امید دارند که به زودی از فقر نجات پیدا کنند.

موروثی بودن فقر

یکی دیگر از مشخصه‌های فرهنگ فقر، در بین روستاییان فقیر ساکن در شهرستان هرسین، موروثی بودن فقر است؛ به این معنا که فرد در خانواده‌ای به دنیا می‌آید که فقیر است. حال آنکه خانواده‌ای که فقر در فرهنگ آن رسوخ نکرده است، به این صورت نیست و افراد به دلایل متعدد فقیر شده‌اند از جمله این دلایل می‌توان به بیماری یا اعتیاد سرپرست خانواده یا یکی از اعضای خانواده، درگیری‌های قومی و قبیله‌ای که به پرداخت دیه‌های سنگین منجر شده است، خوش‌گذرانی‌ها و تنبلی، پیری افراد یا بروز بلاهای طبیعی مانند خشک‌سالی اشاره کرد. درحالی که فقرای دارای فرهنگ فقر، به این دلیل فقیر هستند که پدر و مادری فقیر داشته‌اند و از ارث محروم بوده‌اند. تنها ارثی که از والدین به آنان رسیده، بدهی‌هایشان بوده است. تعدادی از این قشر بیان کرده‌اند که به دلیل بی‌فکری والدین به فقر مبتلا شده‌اند؛ به این معنا که پدر و مادر آن‌ها فقیر نبوده‌اند، ولی در اثر حادثه، اشتباه یا بی‌فکری فقیر شده‌اند و این فقر را به فرزندان خود نیز منتقل کرده‌اند.

بدبینی و ناامیدی

روستاییانی که دارای فرهنگ فقر هستند، به همه و به ویژه به ثروتمندان بدبین هستند. برنامه‌ریزان توسعه روستایی و خود روستاییان ثروتمند، در ایجاد این بدبینی مقصرند؛ چراکه منافع این برنامه‌ها را به ثروتمندان داده‌اند و ثروتمندان هم، در کسب این منافع، حداکثر تلاش خود را کرده‌اند و این باعث شده فقرا به این قشر بسیار بدبین باشند و از طرفی ثروت آن‌ها را ناحق بدانند و ثروت‌اندوزی آن‌ها را نامشروع تلقی کنند. از سوی دیگر، هدف برنامه‌های توسعه، در عمل، ثروتمندان بوده‌اند. به همین دلیل، فقرا از بهبود وضعیت خود، ناامیدند. سرخوردگی این دسته از فقرا باعث شده که انگیزه‌ای برای تغییر وضعیت خود نداشته باشند. این سرخوردگی، پیامدهای دیگری نیز داشته است؛ به گونه‌ای که دیگران و حتی پدر و مادر را در فقر خود مقصر می‌دانند. از دیگر پیامدهای سرخوردگی این است که تلاش برای کاهش فقر خود را ناکافی می‌دانند؛ چراکه هرچه تلاش کرده‌اند، منافع برنامه‌های توسعه‌ای به جیب ثروتمندان رفته است و این دسته از فقرا از منافع این برنامه‌ها بی‌بهره مانده‌اند. این قشر از روستاییان فقیر، به دلیل سرخوردگی، به مصرف مواد مخدر تمایل دارند و همچنین آرزوی بزرگی هم ندارند. گفتنی است گردآورندگان در میدان تحقیق با صحنه قتل زن و دو دختر خردسال توسط پدر خانواده در روستای کلکشوند وسطی روبه‌رو شدند که به گفته اهالی روستا، دلیل آن، فقر و اعتیاد پدر خانواده بوده است.

روستاییان فقیری که فقر در فرهنگ آنان نهادینه نشده است، در مقایسه با روستاییان دارای فرهنگ فقر، بسیار خوش‌بین‌ترند؛ به طوری که ثروت ثروتمندان را مشروع می‌دانند و معتقدند که با تلاش می‌توان به ثروت رسید. همچنین بسیار امید دارند که در آینده، وضعیت آن‌ها بهتر شود و انگیزه بسیاری برای بهبود آینده خود دارند. این دسته از فقرا آرزوهای بزرگ و متوسط دارند، واقع‌گرا هستند و خودشان را در فقر مقصر می‌دانند.

بی توجهی به خود و خانواده

در خانه فقرایی که به فرهنگ فقر مبتلا هستند، فضولات حیوانی و زباله‌های خانگی سایر روستاییان و خودشان بسیار به چشم می‌خورد. در داخل این خانه‌ها، درمقایسه با سایر روستاییان، به مسائل بهداشتی کم‌تر توجه می‌شود. آنان معمولاً حمامی در منزل خود ندارند و در بعضی خانه‌ها از حمام‌های صحرایی که فقط در فصل‌های گرم کاربرد دارد، استفاده می‌کنند. این روستاییان، کم‌تر از بقیه، به تحصیل فرزندان خود توجه می‌کنند و نمی‌توانند برای منافع آتی، از منافع آتی خود بگذرند. این دسته از فقرا به اهمیت تحصیل فرزندان خود، اذعان دارند؛ ولی با توجه اینکه نمی‌توانند خرج آن را بدهند، از تحصیل آنان جلوگیری می‌کنند. آنان حتی در عمل، انجام کارهای روزمره مانند کمک در کارهای کشاورزی یا چوپانی برای سایر روستاییان را مقدم بر رفتن به مدرسه یا مطالعه کردن می‌دانند؛ حال آنکه روستاییان فقیر که به این فرهنگ گرفتار نشده‌اند، یکی از دغدغه‌های خود را آینده فرزندان و تأمین خرج تحصیل آن‌ها می‌دانند. این گروه اخیر، درمقایسه با روستاییان دارای فرهنگ فقر، در مقابل اعضای خانواده خود و به ویژه فرزندان، احساس مسئولیت بیش‌تری دارند و یکی از دغدغه‌های فکری خود را آینده فرزندان و خانواده خود می‌دانند؛ اما روستاییان دارای فرهنگ فقر، به اعضای خانواده مانند پدر و مادر و همسر و فرزندان توجه بسیار کم‌تری دارند و به نوعی بی‌خیالی مبتلا شده‌اند تا کم‌تر در رنج و عذاب باشند. آنان با این حرکت انفعالی می‌خواهند از درد خود کم‌کنند و بیان می‌کنند که افراد، خود، باید به فکر خود باشند.

قدرگرا بودن

روستاییان دارای فرهنگ فقر، علاوه بر اذعان به فقر خود، به‌طور ضمنی ابراز رضایت کردند. این موضوع تاحدی نشان از ناامیدی از تغییر وضعیت آنان دارد و تا حدودی می‌تواند متأثر از تخصیص منافع برنامه‌های توسعه‌ای به ثروتمندان باشد؛ چراکه منافع این

برنامه‌ها بیش‌تر به جیب ثروتمندان رفته است و باعث ایجاد نابرابری و افزایش شکاف طبقاتی در روستا شده است. این برنامه‌ها توجه کم‌تری به فقرا داشته است و به همین دلیل، فقرا به ایجاد تغییر در روستا خوش‌بین نیستند و دچار نوعی ناامیدی شده‌اند. این دسته از فقرا قدرگرا هستند و نقش خود را در تعیین آینده بی‌تأثیر می‌دانند؛ اما فقرایی که به فرهنگ فقر مبتلا نشده‌اند، هنوز امید دارند که فقرشان با تغییراتی که در آینده پیش می‌آید، کم‌تر شود و وضعیت آنان بهبود یابد. گفتنی است این گروه از فقرا خود را کاملاً فقیر نمی‌دانند و از وضعیت خود، بسیار ناراضی هستند. آنان خود را در فقر خود مقصر می‌دانند و این فقر را ناشی از بی‌فکری، خوش‌گذرانی‌ها یا نتیجه کم‌شانسی می‌دانند. همچنین اعتقاد دارند که با تلاش بیش‌تر، وضعیت بهتر خواهد شد و فقرشان کاهش پیدا خواهد کرد.

انزوای فضایی و مکانی

مسکن روستاییان فقیر مبتلا به فرهنگ فقر، بیش‌تر در حاشیه روستا و اکثراً دور از محل‌های رفت‌وآمد در روستا قرار دارد؛ برای مثال، در روستای بالندر، مسکن یکی از همین فقرا در قسمت جنوبی روستا و نزدیک به راه اصلی روستا قرار دارد. ولی در ورودی خانه رو به جاده روستا نیست و خانه، در اولین نگاه، به صورت جدا از روستا دیده می‌شود. حال آنکه، منازل روستاییانی که فرهنگ فقر ندارند و از نظر اجتماعی منزوی‌اند، نیز به این صورت نیست. از دیگر مشخصه‌های این‌گونه منازل، استفاده از مصالح ساختمانی ابتدایی مانند خشت و تیر و چوب در ساخت آن‌ها و نیز کوچک بودن این منازل است.

بحث

با توجه به نتیجه این پژوهش، یکی از مشخصه‌های فرهنگ فقر در بین روستاییان شهرستان هرسین، بی‌توجهی به خود و خانواده است. لویس (۱۳۸۷)، یکی از مؤلفه‌های

فرهنگ فقر را رها کردن کودکان از سوی مادران می‌داند و به بخشی از این مسئله که همان بی‌توجهی به خانواده است، اشاره می‌کند. احمدی و ایمان (۱۳۸۴) نیز یکی از مؤلفه‌های فرهنگ فقر را کمبود حمایت از سوی خانواده می‌دانند و به این مشخصه اشاره می‌کنند؛ ولی بی‌توجهی فرد فقیر به خود را در نظر نمی‌گیرند. گرد آرونده در هیچ‌یک از پژوهش‌هایی که بررسی کرده‌است، با تحقیقی که تأیید کننده بی‌توجهی به خود باشد، مواجه نشد.

از دیگر ویژگی‌های فرهنگ فقر، در بین روستایان فقیر این شهرستان، بدبینی و ناامیدی است. احمدی و ایمان (۱۳۸۴) یکی از مؤلفه‌های فرهنگ فقر را احساس سرشکستگی می‌دانند. لویس (۱۳۸۷)، در کتاب فرزندان سانچز یکی از مؤلفه‌های فرهنگ فقر در مکزیک را احساس قربانی شدن از سوی زنان، می‌داند که به نوعی، به وجود بدبینی و ناامیدی در بین فقرا دارای فرهنگ فقر اشاره دارد. تقدیرگرایی نیز یکی از دیگر مشخصه‌های فرهنگ فقر در بین روستایان است. غفاری و حق‌پرست (۱۳۸۴) بر این باورند که بین تقدیرگرایی و فقر رابطه معناداری وجود دارد. لویس (۱۳۸۷) تقدیرگرایی را از مشخصه‌های فرهنگ فقر می‌داند و این یافته را تأیید می‌کند. مشخصه دیگر فرهنگ فقر در میان روستایان این شهرستان، موروثی بودن فقر است. فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹) در تحقیق خود، به وجود فقر موروثی در بین فقرا اشاره می‌کنند. آنان بیان می‌دارند که طرد و محرومیت انباشتی زنان، ناشی از موقعیت کنونی آنان نیست، بلکه به گونه‌ای فرایندی، با گذشته آنان، فقر مزمن و بین‌نسلی ارتباط دارد. ولی هیچ‌یک از بررسی‌ها نشان نداد که موروثی بودن فقر از مشخصه‌های افراد دارای فرهنگ فقر است. این موضوع شاید به علت تفاوت اوضاع فرهنگی و اجتماعی منطقه‌های تحت بررسی باشد.

از دیگر مشخصه‌های فرهنگ فقر که در این پژوهش به آن دست یافتیم، انزوای شدید اجتماعی است. روستایان فقیری که دارای این فرهنگ نیستند، به نوعی منزوی شده‌اند؛ ولی انزوای افراد فقیر دارای فرهنگ فقر بسیار شدیدتر و بیش‌تر از آن‌هاست. احمدی و

ایمان (۱۳۸۴) در تحقیق خود، میل به انزوا را از مؤلفه‌های فرهنگ فقر می‌دانند. لوئیس (۱۳۸۷)، به این موضوع اشاره و این یافته را تأیید می‌کند. او بیان می‌دارد که فرهنگ فقر در مکزیک، فرهنگی محلی و منطقه‌ای است و فقط تعداد کمی از اعضای آن به نهادهای ملی پیوسته‌اند. با وجود اینکه آنان در مرکز شهری بزرگ زندگی می‌کنند، باز در حاشیه آن قرار دارند. شادی طلب و حجتی کرمانی (۱۳۸۷) نیز به وجود انزوای اجتماعی در بین فقرا اشاره می‌کنند. آنان معتقدند که درجه مشارکت روستاییان فقیر از حد سهیم شدن در اطلاعات فراتر نرفته و روستاییان از مشارکت در تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر محروم بوده‌اند؛ در نتیجه مشارکت‌هایی از نوع ابراری، تغییر چندانی در وضعیت فقر روستا به وجود نیاورده است. محمودی و صمیمی فر (۱۳۸۴)، یکی از مؤلفه‌های فقر قابلیت را مشارکت نکردن فقرا در سرنوشت خود می‌دانند. فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود، به بحث طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی اشاره می‌کنند.

انزوای فضایی و مکانی، یکی دیگر از مشخصه‌های فرهنگ فقر در بین روستاییان است. ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۳) به بحث فقر و حاشیه‌نشینی اشاره می‌کنند. ربانی و همکاران (۱۳۸۵) بیان می‌کنند که بین شدت حاشیه‌نشینی و افزایش محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد که در نهایت، باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه حاشیه‌نشین شده است. احمدی و ایمان (۱۳۸۴) اظهار می‌کنند که بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر رابطه وجود دارد؛ ولی حاشیه‌نشینی را از مؤلفه‌های فرهنگ فقر نمی‌دانند. لوئیس (۱۹۶۶)، یکی از مؤلفه‌های فرهنگ فقر را زاغه‌نشینی می‌داند که تأیید کننده انزوای فضایی و مکانی است. گفتنی است که بحث زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی، بیش‌تر در ادبیات جامعه‌شناسی شهری کاربرد دارد. در این تحقیق، محققان از انزوای فضایی و مکانی که اصطلاحی در جغرافیای انسانی است، استفاده کرده‌اند.

وضعیت اقتصادی بسیار بد، از دیگر مشخصه‌های فرهنگ فقر در میان روستاییان است که لوئیس (۱۳۸۷) (۱۹۶۶) آن را تأیید می‌کند. با این تفاوت که لوئیس از وام گرفتن از

نزول خواران توسط فقرا بحث می‌کند؛ در صورتی که یکی از مفهومی‌های اظهار شده توسط فقرای روستایی، ناتوانی در گرفتن وام از منابع محلی و نزول خواران است. ایرلن و همکاران (۱۹۶۹)، فرهنگ فقر را متأثر از محرومیت شدید اقتصادی می‌دانند. احمدی و ایمان (۱۳۸۴) نیز وضع بد اقتصادی را از مؤلفه‌های فرهنگ فقر می‌دانند که تأیید کننده این یافته است. ربانی و همکاران (۱۳۸۵) بیان می‌کنند که بین حاشیه‌نشینی و محرومیت رابطه وجود دارد. غروی نخجوانی (۱۳۸۴) نیز می‌گوید که وضع اقتصادی خانوارهای ایرانی طی دو دهه گذشته نگران کننده بوده است و خانوارها به شکل فزاینده‌ای تحت فشار اقتصادی بوده‌اند. آخرین مشخصه فرهنگ فقر، در بین روستایان شهرستان هرسین، نبود مشارکت اجتماعی است. در این زمینه، پقه و همکاران (۱۳۸۰)، یکی از عوامل عمده فقر روستایان را میزان مشارکت اجتماعی آنان می‌دانند. همچنین رضوانی (۱۳۸۰)، مشارکت نکردن مردم و سازمان‌های غیردولتی در برنامه‌ریزی روستایی را یکی از نارسایی‌های مهم در نظام برنامه‌ریزی کشور می‌داند. شادی‌طلب و حجتی‌کرمانی (۱۳۸۷) نیز می‌گویند که درجه مشارکت روستایان از حد سهیم شدن در اطلاعات فراتر نرفته است و روستایان از مشارکت در تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر محروم بوده‌اند؛ در نتیجه مشارکت‌هایی از نوع ابزاری، تغییر چندانی در وضعیت فقر روستا به وجود نیاورده است. لوئیس در کتاب فرزندان سانچز بیان می‌کند که در مکزیکوسیتی، سطح فرهنگ فقر، در میان بیش‌تر تهی‌دستان، بسیار پایین است. آنان به اتحادیه‌های کار نپیوسته‌اند و عضو احزاب سیاسی نیستند. نیز در فعالیتهای بهداشتی، کارهای مرتبط با مادران و مؤسسه‌های رفاه ملی مرتبط با اعانه‌های سالخورده‌گی به نام سگوروی اجتماعی شرکت نمی‌کنند. مؤلفه‌های فوق تأیید کننده این یافته است.

پیشنهادها

با توجه به نتیجه‌های به دست آمده، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت روستاییان فقیر و به ویژه آنان که دارای فرهنگ فقر هستند، ارائه می‌کنیم:

۱- یکی از کارهایی که باید در سرلوحه فعالیت‌های توسعه‌ای، به‌طور عام و در سرلوحه برنامه‌های فقرزدایی به‌طور خاص قرار گیرد، توجه به فقرای واقعی در روستاهاست. در برنامه‌های توسعه‌ای باید فقرا در اولویت باشند و از جذب سود این‌گونه برنامه‌ها توسط ثروتمندان جلوگیری کنیم. شرط لازم برای این کار، نظارت دقیق بر اجرای آن است. این کار باعث می‌شود که شکاف طبقاتی بین روستاییان کاهش پیدا کند، از سرخوردگی و ناامیدی روستاییان تا حدودی جلوگیری شود و وضعیت اقتصادی روستاییان بهبود پیدا کند.

۲- از دیگر کارهایی که باید به‌طور حتم به آن توجه کرد، مشارکت دادن روستاییان، به ویژه فقرای روستایی، در تمام مراحل برنامه‌های توسعه‌ای است. این کار باعث می‌شود که برنامه‌ها مبتنی بر نیازهای روستاییان و گروه‌های هدف در برنامه‌های توسعه‌ای باشد؛ به ویژگی‌های فرهنگی در گروه‌های هدف توجه شود؛ حس مشارکت‌جویی در بین روستاییان شکوفا شده و از وابستگی روستاییان به خدمات دولت کاسته شود.

۳- یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که باید در برنامه‌های توسعه‌ای به آن توجه کرد، آموزش روستاییان است. این کار باعث خواهد شد که وضعیت بهداشتی و زیست‌محیطی روستاها بهبود پیدا کند؛ روستاییان از نظر مهارت‌های شغلی تقویت شوند؛ از خطرهای فروش و استفاده از مواد مخدر مطلع شوند؛ والدین از تحصیل فرزندان خود جلوگیری نکنند و روستاییان از مزایای حفظ منابع طبیعی به ویژه مرتع‌ها و جنگل‌ها و همچنین خطر از بین رفتن این منابع، مطلع شوند.

۴- از دیگر کارهایی که باید در برنامه‌های توسعه‌ای مدنظر قرار گیرد، توجه ویژه به بهبود زیرساخت‌های اقتصادی در روستاهاست؛ چراکه با این کار می‌توان به افزایش اشتغال

در روستاها کمک کرد؛ توان تولیدی روستاها را ارتقا بخشید؛ از مهاجرت روستاییان جلوگیری کرد؛ از تخریب منابع طبیعی جلوگیری کرد؛ حس ناامیدی و تقدیرگرایی در بین فقرا را از بین برد؛ از موروثی شدن فقر و ایجاد فرهنگ فقر جلوگیری کرد و از تأثیرپذیری روستاییان در برابر بلایای طبیعی کاست.

۵- کلام آخر اینکه، باید فقرای گرفتار در فرهنگ فقر را هرچه سریع‌تر از گرداب فرهنگ فقر خارج کرد. این کار به طرق زیر انجام می‌شود: توانمندسازی، ایجاد شغل در روستاها، آموزش‌های مستمر و مبتنی بر نیازهای روستاییان فقیر، ایجاد حس مفید و کارآمد بودن در بین این فقرای روستایی با مشارکت در طرح‌های توسعه‌ای و فقرزدایی و ایجاد این نگرش در بین فقرا که آنان می‌توانند وضعیتی که اکنون گرفتار آن هستند، تغییر دهند. این مهم انجام نمی‌گیرد، مگر با صبر و شکیبایی.

- احمدی، ح. ایمان، م.ت. (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه‌نشین و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پاله شیراز در سال ۱۳۸۳، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان (ویژه‌نامه علوم اجتماعی)، سال ۲ (۱۹): ۹۹ تا ۱۱۸. قابل دسترس در: www.sid.ir.
- ازکیا، م. (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه، ج ۴، تهران: کلمه.
- جمعه‌پور، م. (۱۳۸۴)، نگرش سیستمی به روستا و توسعه روستائی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۸ (۱): ۸۰ تا ۸۵. دسترسی در: www.sid.ir.
- راغفر، ح. (۱۳۸۴)، فقر و ساختار قدرت در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴ (۱۷): ۲۴۹ تا ۲۸۸. دسترسی در: www.sid.ir.
- ربانی، ر. عریضی، ف. وارثی، ح.ر. و حسینی، م.ر. (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسئله حاشیه‌نشین و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، جغرافیا و توسعه، سال ۴ (۷): ۸۹ تا ۱۱۴. دسترسی در: www.sid.ir.
- ربانی خوراسگانی، ر. کلانتری، ص. و یاوری، ن. (۱۳۸۳)، پدیده حاشیه‌نشین و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن (ارزنان و دارک اصفهان)، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان (ویژه‌نامه علوم اجتماعی)، سال ۲ (۱۷): ۱۱۹ تا ۱۵۴. دسترسی در: www.sid.ir.
- رحیمی، ک. (۱۳۷۹)، هرسین در گستره تاریخ، ج ۱، کرمانشاه: مؤسسه فرهنگی هنری کوثر.
- رضوانی، م.ر. (۱۳۸۰)، نگرشی بر نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی ایران، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۴۱: ۳۸ تا ۴۵. دسترسی در: www.sid.ir.
- رضوی، س.ح. (۱۳۷۷)، روستا، فقر، توسعه، جلد اول: مفاهیم، رهیافت‌ها و شاخص‌ها، وزارت جهادسازندگی: سلسله انتشارات روستا و توسعه، ش ۳۱.
- رضوی، س.ح. (۱۳۸۲)، روستا، فقر، توسعه، جلد دوم: روش‌ها و الگوهای مقابله با فقر روستائی (تجارب کشورهای آسیائی)، وزارت جهادسازندگی: سلسله انتشارات روستا و توسعه، ش ۵۲.
- زاهدی مازندرانی، م.ج. (۱۳۸۴)، فقر روستائی، روند و اندازه‌گیری آن در ایران (تبیین روش‌ها و نقد رویکردها)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴ (۱۷): ۲۸۹ تا ۳۲۶. دسترسی در: www.sid.ir.

- شادی طلب، ژ. و حجتی کرمانی، ف. (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستائی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۷ (۲۸): ۳۵ تا ۵۶. دسترسی در: www.sid.ir
- شادی طلب، ژ. وهابی، م. و ورمزیار، ح. (۱۳۸۴)، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴ (۱۷): ۲۳۷ تا ۲۴۷. دسترسی در: www.sid.ir
- صابری فر، ر. و قیصاری، ص. (۱۳۸۸)، مدیریت اجتماعی مناطق روستایی و کاهش فقر: مطالعه موردی روستاهای منطقه حسین آباد غیناب سربیشه، روستا و توسعه، سال ۱۲ (۲): ۱۵ تا ۳۶. دسترسی در: www.sid.ir
- غروی نخجوانی، س. الف. (۱۳۸۴)، فقر در خانوارهای ایرانی (با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار در ایران)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴ (۱۷): ۲۶ تا ۴۱. دسترسی در: www.sid.ir
- غفاری، غ. حق پرست، ع. (۱۳۸۳)، نشانگرهای فقر در مناطق روستائی (مطالعه موردی روستاهای شهرستان آزادشهر)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵ (۴): ۳۲ تا ۴۸. دسترسی در: www.sid.ir
- فیروزآبادی، س. الف. و صادقی، ع. (۱۳۸۹)، وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی، نامه علوم اجتماعی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۱ (۱): ۱ تا ۱۳۳. دسترسی در: www.sid.ir
- قبادی، پ. (۱۳۸۹)، مطالعه مشکلات و محدودیت‌های توریسم روستایی استان کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- کمالی، الف. (۱۳۸۳)، زنان: فقر مضاعف، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۳ (۱۲): ۱ تا ۲۰. دسترسی در: www.sid.ir
- لویس، الف. (۱۳۸۷)، فرزندان سانچز (ترجمه حشمت کامرانی)، چ ۱، تهران: هرمس.
- محمودی، و. صمیمی فر، س. ق. (۱۳۸۴)، فقر قابلیت، رفاه اجتماعی، سال ۴ (۱۷): ۳۱ تا ۳۹. دسترسی در: www.sid.ir

- Coward, B. E., Feagin, Joe R. and Williams, Jr. J. Allen ,(1974), The Culture of Poverty Debate: Some Additional Data, **Social Problems**, Vol. 21 (5): 621-634, available at: <http://www.jstor.org/stable/799638> .
- Harvey, D. L. and Reed, M. H. (1996), The Culture of Poverty: An Ideological Analysis, **Sociological Perspectives**, Vol. 39 (4): 465-495, available at: <http://www.jstor.org/stable/1389418>.
- Irelan, L M. Moles, Oliver C. O' Shea , Robert M. (1960), Ethnicity, Poverty, and Selected Attitudes: A Test of the "Culture of Poverty" Hypothesis. **Social Forces**, Vol. 47 (4) (Jun, 1969): 405-413, available at: <http://www.jstor.org/stable/2574529>.
- Jones, R. K. and Luo, Ye. (1999), The Culture of Poverty and African-American Culture: An Empirical Assessment, **Sociological Perspectives**, Vol. 42 (3), (Autumn, 1999): 439-458, available at: <http://www.jstor.org/stable/1389697>.
- Lewis, O. (1966), The culture of poverty, **American Scientific**. Vol. 215 (4): 19-25.